

ویژگیهای زبان شناختی دیاتسارون فارسی متنی از سده هفتم هجری^۱

حسن رضایی باغبیدی*

چکیده

دیاتسارون اصطلاحاً به مجموعه‌ای گفته می‌شود که از تلفیقِ اناجیل اربعه به وجود آمده است. اولین بار به زبان سریانی و به وسیله شخصی به نام تاتیانس (طاطیانوس) در قرن دوم میلادی فراهم آمده است. این مجموعه از میان رفته ولی دو دست نوشته از ترجمه عربی آن وجود دارد. مقاله مزبور درباره بررسی کهن ترین دیاتسارون فارسی است، که در قرن هفتم هجری نوشته شده است. اصل این نسخه از میان رفته ولی رونوشتی از آن که مربوط به قرن دهم هجری است موجود است. گردآورنده این اثر، ابتدا ترجمه‌ای فارسی از متن سریانی اناجیل اربعه فراهم آورده و سپس با حذف موارد تکراری بقیه مطالب چهار انجیل را ماهرانه درهم آمیخته. وی نام خود را به صراحت معلوم نداشته ولی در پایان نسخه، حروف نام و لقب خود را ذکر کرده است که پس از کنار هم قرار دادن آنها نام ایوانیس (یوحنا) و لقب عزالدین به دست می‌آید.

متن مزبور به لحاظ دارا بودن ویژگیهای آوایی و صرفی و نحوی در خور توجه، قسمتی از ساختار زبان فارسی را در قرن هفتم نشان می‌دهد.

کلیدواژه: دیاتیسارون فارسی، اناجیل اربعه، تاتیائس، عزالدین مظفر.

دیاتیسارون^۲ واژه‌ای یونانی به معنی «از چهار» است و اصطلاحاً به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که از تلفیق اناجیل اربعه (متی مرقس، لوقا، یوحنا) به وجود آمده است. چنین مجموعه‌ای را نخست شخصی به نام تاتیائس^۳ (طاطیانوس)، که در سده دوم میلادی در بین‌النهرین می‌زیست، به احتمال زیاد به زبان سریانی فراهم آورد. این مجموعه از میان رفته، اما دو دست‌نوشته از ترجمه عربی آن به قلم ابوالفرج عبداللّه بن طیب (درگذشت: ۴۳۴ ق / ۱۰۴۳ م) موجود است. این ترجمه عربی مبتنی بر نسخه‌ای سریانی به قلم عیسی بن علی مُتَطَبِّب (درگذشت: ۲۵۹ ق / ۸۷۳ م)، شاگرد حنین بن اسحاق، بوده است.^۴ متنی که در این مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت کهن‌ترین دیاتیسارون شناخته شده فارسی از سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی است. اصل این نسخه از میان رفته، اما رونوشتی از آن از سده دهم هجری / شانزدهم میلادی بر جای مانده است. این دست‌نوشته ارزشمند با شماره (81) XVII در کتابخانه مدیچنو - لائورنتزیانا^۵ در فلورانس ایتالیا نگهداری می‌شود. آسمانی^۶ نخستین کسی بود که در سال ۱۷۴۲ م از وجود این دست‌نوشته خبر داد^۷ و ایتالو پیتزی^۸ در سال ۱۸۸۶ م آن را به اختصار معرفی کرد.^۹ اما معرفی جامع این اثر را جوزپه مسینا در سال ۱۹۴۳ م در قالب کتابی منتشر ساخت.^{۱۰} در سال ۱۹۵۰ م متزگر مقاله‌ای در معرفی دیاتیسارون تاتیائس و دیاتیسارون فارسی نوشت.^{۱۱} سرانجام مسینا متن کامل دیاتیسارون فارسی را به همراه ترجمه ایتالیایی در سال ۱۹۵۱ م منتشر کرد.^{۱۲} یک سال بعد، هیگینز در مقاله‌ای دیاتیسارون فارسی را به عنوان مأخذی برای شناخت بهتر دیاتیسارون تاتیائس مورد استفاده قرار داد.^{۱۳}

در کتابخانه مدیچنو - لائورنتزیانا دست‌نوشته‌ای مشابه، اما کوچکتر، (با شماره 399) هم وجود دارد که احتمالاً رونوشتی از همین نسخه بوده است. به علاوه، دسته‌نوشته‌ای فارسی در کتابخانه بادلیان^{۱۴} آکسفورد (با شماره 241 Pococke) وجود دارد که اگرچه ترجمه جداگانه چهار انجیل است، قرائتهایی در آن دیده می‌شود که با متن یونانی و سریانی متفاوت، اما با این نسخه یکسان است و معلوم می‌شود که هر دو اصل واحدی داشته‌اند.

قالب و ساختار دیاتسارون فارسی با آنچه از دیاتسارون تاتیانس دانسته شده، کاملاً متفاوت است و بی تردید باید دیاتسارون فارسی را اثری مستقل به شمار آورد. شواهد نشان می‌دهد که گردآورنده دیاتسارون فارسی نخست ترجمه‌ای فارسی از متن سریانی انجیل اربعه فراهم آورده و سپس با حذف موارد تکراری، بقیه مطالب چهار انجیل را ماهرانه درهم آمیخته است. به علاوه، برای آن که نشان دهد هر آیه را از کدام انجیل برگرفته، پیش از هر آیه از نشانه‌های اختصاری م، س، ل و ی به ترتیب برای متی، مرقس، لوقا و یوحنا استفاده کرده است. کتاب به چهار باب و هر باب به چند فصل تقسیم شده است. باب نخست ۷۱ فصل، باب دوم ۶۱ فصل، باب سوم ۶۰ فصل و باب چهارم ۵۸ فصل دارد. در مقدمه کتاب، مؤلف پس از اشاره به حمله مغول، درباره هدف و شیوه کار خود چنین نوشته است:

موجب نبشتن انجیل بزبان باری آن بود که این بنده ضعیف عاجز و حقیرترین جمله خلائق از حوادث روزگار و وقایع لیل و نهار از دارالملک تبریز خماه الله من الافات بجانب خراسان و مازندران و هراه و طوس و نیشابور و ان دیار افتاد جماعتی عماده‌داران آن دیار از نصابه وارمن و غیره که بیش ازین بدان ایشان و جدان ایشان از هر اقلیمی بوقت خروج مغول آورده بودند بدان مواضع مذکور متوطن کسته و هر یک بزبان خود انجیل و کتب داشته و بزبان خود که از بدان و جدان یاد داشتند و قادر بوده جو ایشان بجوار حق بیوستند فرزندان ایشان و فرزند فرزند ایشان غیر زبان باری چیزی دیگر نمی دانستند و بی آن نیست که تمامی طوایف ترسایی انجیل دارند و بزبان ایشان بر ایشان خوانده میشود اما بسبب دوری از مقام ایشان و هم‌زبانان ایشان بزبان باری خبیرتر شدند از زبان ایشان که در اصل داشته‌اند و آنچه بزبان اصلی ایشان می‌خوانند و ایشان می‌شنوند و نمی‌دانند که چه می‌گویند ازین بنده ضعیف التماس کردند تا آنچه از طاقت و قدر خود درین روزگار تنک و ناموافق که من و اغلب عالم در دریا جهالت شناه می‌کردیم و سیاهی موج او عظیم و غالب شده بود و کیست انک باکست از کناه بجز خدای تعالی جل اسمهُ در امید رستن از دریا غرور ایمن مقدمه ساختم و چهار انجیل نسبتم بزبان باری و بعضی از تفسیر او یکی اول در مازندران و دوم در هرات جهت عماده‌داران آنچه یکی در نیشابور وقف دیر شهدا مار سرکین^{۱۵} و یکی بردست مفخر الشباب امیر بیک بن طوغارس جهت دیر مقدس سپناباد^{۱۶} و طوس و این بنجست.^{۱۷}

و چون دیدیم که از یک انجیل معرفت کردار مسیح حاصل نمی شود و اگر هر چهار را جدا جدا بخوانند تحصیل آن نیز مُبَوَّب بتمام دشوار حاصل می شود بدین معنی هر چه در چهار انجیلست از اول تا آخر علی التوالی بنسق اوردم بی تکریر و هر سخنی که از یک انجیل کزیدم انرا نشان کردم متی مرقوس لوقا یوحنا هر حرفی می گوید که آن سخن از کدام سر انجیلست تا چون بچوید دریابد آن سخن در کجا گفته شد و انرا مُبَوَّب کردم چهار باب و هر باب حاوی فصول اخبار و نبوت و بند و امثال و معجزات و کردار و غیره بشمار تا هر ک سخنی بطلبد یافتن آن سهل باشد بر وی در یکی از چهار باب.^{۱۸}

گردآورنده صراحتاً اشاره ای به نام خود نکرده، اما در پایان نسخه موجود، پس از انجامه نسخه بردار، در دو جدول، حروف نام و لقب خود را آورده است.^{۱۹} اگر حروف خانه های این دو جدول را از مرکز به ترتیب در کنار یکدیگر قرار دهیم نام ایوانیس (یوحنا) و لقب عزالدین به دست می آید. شاید این شخص همان عزالدین مظفر، وزیر گیخاتو (حکومت: ۶۹۰-۶۹۴ ق/ ۱۲۹۱-۱۲۹۵ م)، بوده باشد که به تقلید از چینیان پول کاغذی را رواج داد.

چنان که پیشتر گفته شد، نسخه موجود رونوشتی از تحریر اصلی است. این نسخه در شهر حصن کئیف، واقع بر ساحل شرقی رود دجله، استنساخ شده و تاریخ استنساخ آن سال ۹۵۴ ق/ ۱۵۴۷ م بوده است. انجامه این نسخه چنین است:

تمام شد انجیل مقدس مظهر معظم روز دوشنبه بیست یکم تشرین الاخر از تاریخ ابونا ادم بر شش هزار و نهصد و هفتاد و سه سال از تاریخ اسکندر یونانی بر یک هزار و هشت صد پنجاه و نه سال و از ولادت مسیح بر یک هزار و پنج صد و پنجاه سال و از بالارفتن مسیح بر آسمان سال بر یک هزار و پانصد و هجده سال و از تاریخ هجره روز دوشنبه هشتم ماه شوال المبارک سنه تسعمائه اربع و خمسون بر دست کمترین بنده بندگان و گناه گار و حقیر و عاجز ترین خلائق عالم و عالمیان قس ابرهیم بن شماس عبد الله الحصنکیفی المسیحی السریانی یعقوبی بحصنکیف المحروسه.^{۲۰}

استنساخ این نسخه به فرمان استفانس پنجم، از اهالی سلامست (سلماس کنونی)، صورت گرفته که از سال ۹۴۸ تا ۹۷۱ ق/ ۱۵۴۱ تا ۱۵۶۴ م بطریق / جاثلیق ارمنستان کبیر بود. هدف او از این کار احتمالاً اهداء این نسخه به کلیسای رم بود، زیرا در سال ۹۵۵ ق/ ۱۵۴۸ م در رم به سر می برد. در آن زمان پاپ پائولو (پل) سوم،^{۲۱} آلساندرو

فارنژ،^{۲۲} رهبر کلیسای کاتولیک بود. استفانس این نسخه را به پیپر پائولو گواتییری آرتینو،^{۲۳} منشی مخصوص پاپ، تقدیم کرد. این نسخه بعدها به دلایل نامعلوم به فلورانس منتقل شد.

نسخه دارای ۱۳۰ برگ ۲۵ در ۱۸ سانتی‌متری است که با حروف عربی از ب (= ۲) تا قکط (= ۱۲۹) شماره گذاری شده است.^{۲۴} هر صفحه دارای ۲۰ سطر به خط نسخ است، به استثنای پشت برگ ۲ و پشت برگ ۱۶ که به ترتیب دارای ۱۶ و ۱۸ سطر هستند. عنوانهای اصلی و فرعی و خطوط حاشیه صفحات به رنگ قرمز است. نسخه دارای صفحه عنوان، مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، چند صفحه پایانی و چند صفحه تصویر است. متن دیاتسارون از پشت برگ ۱۶ آغاز می‌شود و در پشت برگ ۱۲۳ پایان می‌پذیرد. در داخل متن گاه تفاسیری آمده که با کلمه تفسیر به رنگ قرمز مشخص شده است.

مسیحا با تکیه بر شواهد زیر احتمال می‌دهد که زبان مادری مترجم عربی بوده باشد.^{۲۵}

«از برای ان امدم بآب میشویم» (ص ۳۸)^{۲۶} (لِذَلِكَ جِئْتُ أَعْمَدُ بِالْمَاءِ)

«من شنیدم این مرد میگوید» (ص ۳۴۰) (قَس: نَحْنُ سَمِعْنَاهُ يَقُولُ)

اما این استدلال با توجه به این که مترجم متن را از یک زبان سامی ترجمه کرده است، قوی به نظر نمی‌رسد و می‌توان آنها و موارد مشابه را تأثیرهای متن اصلی بر ترجمه دانست.

در زیر به برخی از جالب‌ترین ویژگیهای آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی این متن اشاره می‌شود. این ویژگیها گوشه‌هایی از ساخت زبان فارسی را در سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی روشن خواهد ساخت و در بررسیهای تاریخی زبان فارسی به کار خواهد آمد.

الف) ویژگیهای آوایی

۱. یای مجهول: کاربرد حرف «ی» در مواردی که در فارسی نواز کسره استفاده می‌شود، نشانگر حفظ مصوت ē (یای مجهول) است:

سی /sē/ «سه»: بسی روز دیگر باز آبادان کنم (ص ۳۴۰)^{۲۷}

کی /kē/ «که»: کیرا مانندند این قوم ودوده [؟] (ص ۹۲)؛ و گفت کیرا می‌خواهید [؟]

(ص ۳۳۶)

۲. **مصوت مرکب:** /ay/ کاربرد فتحه بر حرف پیش از «ی» در برخی از واژه‌ها نشانگر حفظ مصوت مرکب /ay/ است:

کی /kay/؛ ملکوت خداگی خواهد آمدن [؟] (ص ۳۰۶)

ئی /nay/؛ و بر سر او بنی می زدند. (ص ۳۵۰)

۳. صامت‌ها

بلی «ولی»: و نه از شهوت مرد، بلی از خدا زاینده شدند. (ص ۶)

بنجشک «گنجشک»: مترسید زیرا بسیار از بنجشکان بهتر هستید. (ص ۲۰۶)

پرتاو «پرتاب»: و او از ایشان جدا شد مقدار یک سنگ پرتاو. (ص ۳۳۲)

خبه «خفه»: و رفت خویشان را خبه کرد. (ص ۳۵۸)

دروان «دربان»: نشسته بود با خدمتگاران برابر آتش گرم می‌شد با دروانان تا ببیند

چه می‌شو (ص ۳۴۰)

دشخوار «دشوار»: و چه تنگ و دشخوارست آن راه که بُزندگان برد. (ص ۸۰)

زفان «زبان»: و زفان بگشاد و بدیشان تعلیم و پند می‌داد. (ص ۵۸)

سبط «سبد»: و گرد کردند پارهای که پیش خلق مانده بود دوانزده سبط پر

(ص ۱۰۰)

سپارش «سفارش»: انجانک در ناموس سپارش کرد. (ص ۲۰)

شور - «شوی -»: یحیی شورنده (ص ۳۶)؛ یحیی بدیشان جواب داد و گفت من با

آب می‌شورم. (ص ۳۸)

شیبو «شیب»: از کوه بشیو آمد (ص ۱۳۶)

۴. تحول مصوت‌ها

زُندگان «زندگان»: پاسخ داد عیسی و گفت نبشته است که زُندگان ادمی بنان تنها

نیست. (ص ۴۰)

زُنده «زنده»: و اوست انک مردمان خود را از گناهای ایشان زُنده کند. (ص ۱۶)

زنیه «زنا»: هرک سوی زن بخیانن بنگرد و در دل ارزو کند زنیه کرده باشد.

(ص ۶۲)

شُنیدم «شنیدم»: وانچه من ازو شنیدم ان میگفتم بخلق. (ص ۱۷۶)

ناگهین «ناگهان»: و ناگهین ویرا ببینید با فرشتگان بسیار. (ص ۱۸)

۵. تحول قیاسی

دوانزده «دوازده» (ص ۳۰)

۶. حذف

بیاد نمی‌آرید «به یاد نمی‌آورید». (ص ۱۳۰)

۷. ادغام

زوتر «زودتر» (ص ۴۴)

۸. قلب

چپسیده «چسبیده» (ص ۹۴)

ب) ویژگیهای صرفی

۱. جمع

معجزاتها (ص ۲۰۴)

۲. صفت عالی

پسر بزرگین (ص ۳۰۰)

پسر کوچکین (ص ۲۹۸)

۳. صفات فاعلی و مفعولی

اشامیننده «آشامنده»: این مرد خورنده است و شراب اشامیننده. (ص ۹۴)

برداشتگان «بردارندگان»: و رفت پیش جنازه و برداشتگانرا باز ایستانید. (ص ۹۰)

ترسگان «ترسندگان»: تا ابد مهربانی بر ترسگان او. (ص ۱۲)

خندندگان: وای بر شما! ای خندندگان که بگریید و اندوهناک شوید. (ص ۵۸)

زاینده «زاده»: تا آدمی دوم بار زاینده نشود. (ص ۱۸۰)

فرستاننده «فرستنده»: کسی نتواند پیش من بیاید الا انک پدر فرستاننده من او را

گزیده باشد. (ص ۱۰۶)

۴. فعلهای جعلی

آموزانیدن: و او ناموس می‌آموزانید. (ص ۵۰)

برازیدن: نمی‌برازم که بند کفش او از پای او بگشایم (ص ۳۴)؛ می‌برازد مرا که

ایشانرا نیز بیاورم. (ص ۱۵۰)

تندیدن: ایشان بروی تندیدند. (ص ۱۴۸)

شکیبیدن: ولیکن بسیار می‌شکیم در درد. (ص ۸۴)

گرسیتدن «گریستن»: ونوحه و زاری کردیم برای شما و نگرستید. (ص ۹۴، ۹۲)

گستریدن: و بسیاریان جامه خود می‌کنند و پیش پای خرمی گستریدند. (ص ۲۴۶)
۵. زمانها و وجوه

آگاه می‌بود و خانه خود نگاه داشتی. (= می‌داشت) (ص ۲۸۰)
 اگر در سدوم و عامورا بودی (= می‌بود) از معجزات‌ها آنچه در تو بودی (= می‌بود) تا
 امروز آبادان بودندی. (= می‌بودند) (ص ۲۰۴)
 چهار روزست که عازر در گور آگنده شد. (= آگنده شده است) (ص ۲۳۶)
 شنیده‌اند (= شنیدند) گفتار او و در پی عیسی رفتند. (ص ۳۸)
 فرماید بیابید (= بفرمایید بیابید) پیش من ای خستگی کشیدگان. (ص ۱۹۶)
 و نمی‌گذاشت تا دزد خانه او را ببرد. (= ببرد) (ص ۸۲)
۶. مجهول

بسیاران پنداشتند که مُرده شد. (= مرد) (ص ۱۳۸)
 نبشته است (= نوشته شده است) که زندگی آدمی بنان تنها نیست. (ص ۴۰)
 و آوردند در کنار کوه که شهر ایشان بر آن کوه بنیاد نهاده بود. (= نهاده شده بود)
 (ص ۱۹۲، ۱۹۴)
 و گفتند: ای خداوند، گناه که کرد [؟] این نابینا یا پدر او یا مادر او که اینچنین بی‌چشم
 زاینده شد. (= زاده شد) (ص ۱۴۴)

۷. نشانه اضافه به صورت «ی» /I/

تعلیم می‌کرد بامدنی ملکوت خدا. (ص ۲۱۲)
 و این که اینساعت داری نیست شوهری تو. (ص ۱۵۸)
۸. پسوندها

بی دوختمان (دوخته نشده) (ص ۳۵۴)
 تلخناک (ص ۳۴۲)
 دیگرم روز (ص ۴۴)
 دیگرین روز (ص ۳۸)
 شادناک (ص ۸)
 سُستگاه (ص ۸۴)
 کُشش «قتل» (ص ۳۴۶)
 کینواری (ص ۱۱۶)

۹. دو فعل پیایی

این سخن که میتواند شنیدن. (ص ۱۰۸)

باران خواهد آمدن. (ص ۱۲۶)

بدین سبب نتوانم آمدن. (ص ۲۵۸)

بکدامین مرگ خواهد مُردن [؟] (ص ۲۵۰)

ترا خواهد گُشتن. (ص ۲۸۸)

جواب می‌باید دادن. (ص ۲۰۰)

جواب نتوانستند داد. (ص ۲۹۲)

دانست که خواهند آمدن. (ص ۱۰۰)

گرسنه خواهید شدن. (ص ۵۸)

نتواند انرا سودن. (ص ۱۱۴)

نمی‌توانید سخن من شنیدن. (ص ۱۷۸)

۱۰. تکرار تأکیدی

بجستگی ترا می‌جستیم. (ص ۳۰)

پرهیز دارید از خلق غایت پرهیزی. (ص ۲۰۴)

۱۱. نفی فعل

ندریافته بودند (ص ۱۰۲)؛ ندریافتند (ص ۳۰۸)

نمی‌دریابید (ص ۱۱۶)؛ نمی‌دریابند (ص ۲۱۴)

۱۲. سببی

و بسیاریان فریبانند. (ص ۲۷۲) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳. آغازی

انگه بکوهها آغاز گفتن کنند بر ما بیوفتید (ص ۳۵۲)

۱۴. ضمائر

پاکی شما (=پاکی تان) بسگان مدهید و مروارید شما (مرواریدتان) پیش خوکان

میندازید. (ص ۷۶)

و بروم پیش فرستاننده من. (=فرستنده‌ام) (ص ۱۷۲)

ج) ویژگیهای نحوی

۱. عدد و معدود

دو شاگردان (ص ۳۸)

دوازده حواریون (ص ۲۱۲)

۲. صفت و موصوف

از برای پدر خود اسمانی (= پدر آسمانی خود) (ص ۶۸)

ای پدر ما اسمانی!! (= پدر آسمانی ما) (ص ۷۰)

برادران کوچکان (ص ۲۸۶)

جاهلان کوران (ص ۲۶۸)

عزیز پسر من (ص ۱۳۴)

کوچک حرف (ص ۶۰)

گروهها از برای اسمانی (= گروههای آسمانی) (ص ۱۸)

۳. حذف فعل

من درخت میوه راستی و باغبانش پدرست. (ص ۳۲۲)

۴. بند موصولی

و گاه را در آتش نخسپد (= در آتشی که نخسپد) بسوزاند. (ص ۳۴)

۵. ضمیر مرجع دار

خدای را ندیدش کسی هرگز. (ص ۳۶)

۶. حروف اضافه

از پدرم دوست داشته شود. (ص ۳۲۲)

در خانه اندر رفت. (ص ۱۳۸)

منم که عالم را ظفر یافتم. (ص ۳۳۰)

۷. نفی فعل

ای خداوند نه بنام تو پیغمبری کردیم. (ص ۸۰)

چرا او را نکرقتید و آوردید (ص ۱۷۴)

نه منافقان و گنهگاران نیز چنین می کنند (ص ۶۶)

و اگر شما گناه دیگران فرو نگذارید و نه خدا گناههای شما فرو گذارد (ص ۷۰)

۸. مطابقت فعل با فاعل

ان کله رمیدند. (ص ۱۸۶)

دیگری می‌گفتند. (ص ۱۴۶)
و بدر کرد هرک انجا بودند. (ص ۲۴۶)
و شفا داد هرک رنجور بودند. (ص ۸۸)
و هرک در انجمن بود چشم ایشان سوی او می‌نگریدند. (ص ۱۹۲)
هرک در گورستانند. (ص ۱۶۶)

۹. متمم

از خدا فرستاده شدی آموزانده. (ص ۱۸۰)
من برای خلق نور آمدم. (ص ۲۵۲)

د) ویژگیهای واژگانی

۱. واژه‌های مغولی

باسقاق: «امیر، حاکم، والی» (ص ۴۲)
بهادر: «دلیر، شجاع» (ص ۱۲۰)
تومان: «ده هزار؛ واحد پول برابر با ده هزار درهم نقره»: دوازده تومان از فرشتگان
(ص ۳۳۶)؛ یکی را پنج تومان و یکی را دو تومان و بیکی یک تومان داد (ص ۲۸۲)
۲. واژه‌ها و ترکیبهایی که صورت یا معنی آنها در فرهنگها نیامده است
اسایش کردن: و سوی آسمان بنگرید و اسایش کرد. (ص ۱۲۰)
بجهد: «بتواند» (ص ۷۴)
بر بدیهی: «فوراً» (ص ۴۸)
پارو: «چنگک برای باد دادن خرمن» (ص ۳۴)
پدران «والدین»: عیسی پرسید از پدران کودک. (ص ۱۳۸)
پروازی بازی: «رقص» (ص ۹۶)
تبه: «ناسزا»: شما مرا تبه می‌گویید. (ص ۱۷۸)
داوری گیر: «داور» (ص ۱۲۰)
درگاویدن: «ستیزیدن»: با وی درگاوید (ص ۱۲۴)
در لخشیدن: «لغزیدن»: و قوات فرشتگان آسمان در لخشند. (ص ۲۷۴)
دسته چوب: «عصا» (ص ۹۴)
دو گرفتن: «خرده گرفتن»: تا بروی دو گیرند. (ص ۲۶۰)
سنگی بها: «گران بها» (ص ۲۴۰)

- ناپذیر: «ناروا» (ص ۵۸)
- نازش کردن: «درخواست کردن»: عیسی را دید و بر روی افتاد و ازو نازش کرد. (ص ۵۰)
- نره گار: «فرومایه» (ص ۲۹۶)
- نواخت کردن: «نوازش کردن»: پدرم او را نواخت کند. (ص ۲۵۰)
۳. واژه‌ها و ترکیبهای شاذ و نادر
- ادیم: «چرم» (ص ۳۲)
- ار: «اگر»
- اغاریدن: «خیساندن» (ص ۳۱۶)
- اگندن: «دفن کردن» (ص ۹۸)
- ایمد: «خیش، گاو آهن» (ص ۱۶۲)
- بدست دادن، در دست دادن: «تسلیم کردن» (ص ۱۰۸، ۲۴۲)
- بر بر: «پهلوی به پهلوی» (ص ۱۰۰)
- پا و دست زدن: «دست و پا زدن» (ص ۱۳۸)
- پرست کردن: «پرستیدن» (ص ۴۰)
- پودینه: «پونه: نعناع» (ص ۱۱۴)
- تسبانیدن: «خفه کردن» (ص ۲۱۲)
- تسخر کردن / زدن: «مسخره کردن» (ص ۱۹۲، ۳۰۲)
- تلو: «خار» (ص ۸۰)
- تون آتش: (= گُلخَن حمام، آتش خانه حمام؛ مجازاً: دوزخ) (ص ۳۴، ۲۲۲)
- جان: «روح» (ص ۴)
- جان باک: «روح القدس» (ص ۴)
- جمیز: «نوعی انجیر، انجیر مصری» (ص ۲۳۲)
- چربیدن: «غلبه کردن» (ص ۱۱۶)
- چیزی: «کسی»: اینک من پیش شما بیغمبران و رسولان می فرستم چیزی بکشید و چیزی بزنید (ص ۱۱۴)
- خایب: «نا امید» (ص ۶۶)
- خایه کنده: «اخته» (ص ۲۱۲)
- خرگور: «گورخر» (ص ۲۴۶)

- خرنوب: «گیاهی دارویی» (ص ۲۹۸)
- خُسرک: «مادر شوهر؛ مادرزن» (ص ۸۴، ۸۸)
- خشک: «خشکی» (ص ۲۲۰)
- خشم شدن: (خشمگین شدن) (ص ۱۱۴)
- خوش کردن: «شفا دادن» (ص ۵۰)
- در بایست: «واجب» (ص ۷۰)
- در نوردن: «پیچیدن و بستن»: و کتابرا درنورد و بخدمتگاران داد. (ص ۱۹۲)
- درخت ستون: «تنهٔ درخت» (ص ۷۶)
- دستوری دادن: «اجازه دادن»: مرا دستوری بده تا اول بروم و پدرم را بیاگنم. (ص ۱۶۲)
- دلمانده: «آزرده دل» (ص ۱۱۰)
- دهار: «شکاف کوه، درّه» (ص ۱۸۶)
- دولبند: «دستار، عمامه» (ص ۳۶۶)
- دیر کشیدن: «به درازا کشیدن» (ص ۲۸۲)
- رخشیدن: «درخشیدن» (ص ۲۷۶)
- رش: «ساعد» (ص ۲۰)
- رگوی: «جامهٔ کهنه» (ص ۱۸)
- رها کردن: «اجازه دادن»: هرگز نخواهم رها کرد که پای من بشویی. (ص ۳۱۲)
- روی: «تظاهر»: اصحاب روی و ریا (ص ۷۰)
- زور: «دروغین»: پیغمبران زور (ص ۲۷۶)؛ گواهی زور. (ص ۱۵۴)
- سایگان: «سایبان» (ص ۱۳۴)
- سرهنگ: «سرباز» (ص ۳۵۴)
- سهم، «ترس» (ص ۸)
- سودخور، «رباخوار» (ص ۳۴)
- سودن: «لمس کردن» (ص ۱۱۴)
- شبت: «شوید» (ص ۱۱۴)
- شُفنین: «قُمری» (ص ۲۰)
- شگفت: «معجزه» (ص ۴۶)
- شله: «سبد» (ص ۱۲۴)

- شورنده: «تعمید دهنده» (ص ۳۶)
- صبر تلخ: «عود تلخ» (ص ۳۵۲)
- غریب: «طلبکار؛ بدهکار (از اضداد است)» (ص ۶۲، ۱۴۴)
- غلوت: «مساقتی به اندازه پرتاب یک تیر» (ص ۲۳۶)
- کاو: «کاوش» (ص ۲۵۸)
- کاویدن: «ستیزیدن» (ص ۳۴)
- کُلی: «جذام» (ص ۵۰)
- کُلیناک: «جذامی» (ص ۵۰)
- کماسی: «کمی» (ص ۱۳۸)
- کوچک: «کودک» (ص ۱۰۰)
- کوهون: «کاهن» (ص ۶)
- گزاردن: «پرداختن»: تو خرج کن و من چون باز ایمن بتو بگذارم. (ص ۲۲۴)
- گرفت گرفتن: «ایراد گرفتن» (ص ۱۱۴)
- گوشتمند: «جسم» (ص ۶)
- گوشتمندی: «جسمانیت» (ص ۶)
- لخشنده: «لغزنده» (ص ۲۷۲)
- مندیل: «دستمال» (ص ۳۱۲)
- میزر: «دستار» (ص ۳۳۸)
- ناردین: «سُنْبُل رومی، سُنْبُل الطَّیْب» (ص ۲۴۰)
- نازیدن از: «درخواست کردن از» (ص ۱۸۶)
- ناموس: «قانون، شریعت» (ص ۵۰)
- نزد: «حدود» (ص ۲۳۶)
- نزد شدن / آمدن: «نزدیک شدن / آمدن» (ص ۱۰۲، ۱۸۲)
- نغول: «ژرف، عمیق» (ص ۱۵۸)
- نُغولی: «ژرفا، عمق» (ص ۴۸)
- نهله: «جرعه» (ص ۱۴۲)
- وبر: «پشم» (ص ۳۲)
- ورواره: «بالاخانه و حجره بالای حجره دیگر» (ص ۳۱۰)
- هوته: «شکاف» (ص ۳۰۴)

نمونه‌ای از متن کتاب
باب نخست، فصل ۴۱ (ص ۶۶)

دشمنان خود دوست بدارید

م شنیدید آنچه اولیان گفتند یار خود دوست مدار و از دشمن کراهیت کن و من بشما میگویم دشمنان خود را دوست بدارید ل وافرین کنید بر انکسان که بر شما نفرین کنند و نیکی بسازید با ایشان که با شما بدی کنند و احساس و سازکاری کنید با ایشان که شما را نمی‌توانند دیدن و خشنود باشید با انکسان که شما را زحمت دادند م و دور کردند و ظلم انداختند تا مانند پدر شما باشید انک در آسمانست زیرا افتاب خود بر نیکان و پاکان و بدان می‌تاباند و باران او بر نیکان و بر بدان می‌باراند چون دوست دارید هرک شما را دوست بدارد ل چه نیکویی کرده باشید م نه منافقان ل و گنهکاران م نیز چنین می‌کنند و اگر سلام کنید بر برادران شما تنها کدام نیکویی کرده باشید نه همه خلق چنین می‌کنند ل و اگر نیکو بکنید با انکسان که با شما نیکی کرده باشند کدام باشد فضیلت شما نه گنهگاران ان نیز چنین می‌کنند و اگر قرض بدهید بدانکس که بار عوض ان بشما بدهد کدام باشد هنر شما نه گنهگاران نیز با یکدیگر قرض می‌دهند و می‌ستانند اکنون دشمنان خود را دوست بدارید و با ایشان نیکی بکنید و بیفزایید و در نهان کسی منگرید تا مُرد شما بسیار شود و بشوید فرزندان بزرگ بلند انک برحمتست بر نیکان و بر بدان.

پی‌نوشت‌ها

۱. دومین سمینار بین‌المللی ایران و اسلام (فرهنگ و تاریخ ایران پس از ظهور مغول)، تهران، دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا-ژاپن، با همکاری مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵.

2. Diatessaron
3. Tatianos
4. See: 'Tatian's Christology and Its Influence on the Composition of the Diatessaron', pp. 121-137.
5. Biblioteca Mediceo-Laurenziana
6. Assemani

7. *Bibliothecae Mediceae Laurentianae et Palatinae Codicum MSS. Orientalium Catalogus*, p. 59.

8. Italo Pizzi

9. *Cataloghi dei Codici Orientali di Alcune Biblioteche d'Italia*, fasc. p. 301.

10. *Notizia su un Diatessarone Persiano Tradotto dal Siriaco*.

11. 'Tatian's Diatessarone and a Persian Harmony of the Gospels', pp. 261-280.

12. *Diatessarone Persiano*.

جهت معرفی اجمالی این کتاب نک: «ترجمه هفتصدساله انجیلیهای چهارگانه»، ص ۵۰۱-۵۰۸.

13. 'The Persian Gospel Harmony as a Witness to Tatian's Diatessarone', pp. 83-87.

14. Bodleian

۱۵. برکیس

۱۶. سناباد (مشهد کنونی)

17. *Notizia su un Diatessarone Persiano Tradotto dal Siriaco*, pp. 19-20.

18. Ibid, p. 42.

19. Ibid, p. 38.

20. Ibid, 1951, pp. 378, 380.

21. Paolo III

22. Alessandro Farnese

23. Pier Paolo Gualtieri Aretino

۲۴. گوالتییری نیز این نسخه را با اعداد لاتینی از ۱ تا ۱۳ شماره گذاری کرده است. صفحات ۱ و ۱۲۵ شماره عربی ندارند.

25. Messina, 1951, pp. XXIII-XXIV.

۲۶. شماره صفحات در شواهدی که از این به بعد خواهد آمد براساس چاپ مسینا در سال ۱۹۵۱ م است.

۲۷. مسینا به غلط سی (3 = sē) را به trenta (= ۳۰) ترجمه کرده و به مترجم خرده گرفته که چرا به جای سه، سی نوشته است!

منابع

«ترجمه هفتصدساله انجیلیهای چهارگانه»، افشار، ایرج، یغما، س ۴، ش ۱۱، ۱۳۳۰ ش.

Bibliothecae Mediceae Laurentianae et Palatinae Codicum MSS. Orientalium Catalogus, Florentiae, 1742.

Cataloghi dei Codici Orientali di Alcune Biblioteche d'Italia, fasc. III, Firenze, 1886.

Notizia su un Diatessaron Persiano Tradotto dal Siriaco, Giuseppe Messina, Roma, 1943 and *Ibid* 1951.

'Tatian's Christology and Its Influence on the Composition of the Diatessaron', Peter M. Head, *Tyndale Bulletin* 43/1, 1992.

'Tatian's Diatessaron and a Persian Harmony of the Gospels', B. M. Metzger, *Journal of Biblical Literature* 69, 1950.

'The Persian Gospel Harmony as a Witness to Tatian's Diatessaron' A. J. B. Higgins, *Journal of Theological Studies* 3, 1952.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی